

مواضع و نظرهای

جبهه ملی ایران

درباره

شورای انقلاب - دولت - آشفستگی اوضاع

قانون اساسی - مجلس مؤسسان

و

راه حل بحران فعلی کشور

چاپ دوم

این بیان نامه که در دوم مرداد ۱۳۵۸ - بمناسبت سالروز قیام سیام تیر ۱۳۲۱ انتشار یافت مشتمل بر دو قسمت است. قسمت اول حاوی بحثی در باره ظل قیام سی تیر و برخورد دولت دکتر مصدق با شاه و آرتش در آنزمان و قسمت دوم شامل نظرهای جبهه ملی ایران در باره اوضاع کشور و موضع رهبری انقلاب و موقعیت دولت فعلی و شورای انقلاب و مجلس مؤسسان و قانون اساسی جدید و راه حل‌هایی است که برای رفع بحران کشور در آنموقع وجود داشته است.

چون تمام نسخه های منتشر شده توزیع گردید بر اثر مراجعه علاقمندان تجدید چاپ میشود.

۲۸ مهرماه ۱۳۵۸

بنام خدا - بنام ایران - بنام آزادی

بعد از گذشت ۲۷ سال اکنون که رژیم خونخوار سلطنت پهلوی سرنگون شده است یاد بود نخستین قیام ملت علیه استبداد خاندان پهلوی را ارج مینهیم و به روان پاک شهیدان گلگون کفنی که با جانبازی و فداکاری و ریختن خون خود نهال آزادی و پیوندهای نهضت ملی ایران را آبیاری کردند درود میفرستیم .

در سیام تیر ۱۳۳۱ مردم بی سلاح جان برکف به مقابله با دشمن شتافتند که با سلاحهای رزمی و تجهیزات جنگی در خیابانها و کوچههای تهران وهمه شهرهای بزرگ و کوچک ایران برای سرکوبی نهضت ملت آماده شده بود . مردم میخواستند حکومت رهبر ملی را که با توطئههای شاه برکنار شده بود دوباره بقدرت نشانند و ادامه پهبروزمندان راه نهضت مقدس ملی ایران را هموار سازند .

نهضت ملی ایران که با رهبری جبهه ملی ایران در نخستین رویارویی با استعمار انگلستان دشمن را بزانو در آورده بود در مراحل بعدی مبارزه با ارتش شاهنشاهی مواجه گردید . ارتش در پنجاه سال اخیر در دست رضاشاه و محمدرضاشاه بعنوان نیروی داخلی استعمار وسیله حفظ قدرت هیئت حاکمه وابسته به امپریالیسم جهانی گردیده بود . ارتش شاهنشاهی که از طرف ایادی انگلستان ایجاد و تقویت شده بود حدود سی سال حافظ منافع استعمار انگلیس و عامل اصلی اعمال قدرت سرمایه داری انگلیس در کشور ایران بشمار میرفت . در دوران حکومت رضاشاه و سالهای نخست سلطنت محمدرضاشاه پایگاه استعماری در ایران منحصرأ به انگلستان تعلق داشت و شرکت نفت انگلیس و ایران که ثروت منابع عظیم ملت ایران را نیز به یغما می برد مظهر کامل قدرت غاصبانه سیاست استعماری انگلیس بشمار میرفت .

دکتر محمد مصدق پیشوای بزرگ ملت که مبارزه نهضت ملی ایران را رهبری میکرد در حالیکه تمام قدرت ملت را متوجه نابودی پایگاه قدرت استعماری انگلستان در ایران کرده بود توجه و مراقبت کافی داشت که در جریان مبارزات ملت ایران علیه استعمار کهن مبادا امپریالیسم امریکا و یا قدرتهای جهانی دیگر جای بر پای استعمار انگلستان بگذارند و زحمات سالیان دراز ملت را بیاد دهند . هدف نهائی دکتر مصدق این بود که حاکمیت ملی جایگزین قدرتها و عوامل استعمار جهانی گردد .

دکتر محمد مصدق بارها اعلام داشت که نهضت ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت

در سراسر کشور تنها یک مبارزه علیه انگلستان و با خصوصیات ضد انگلیسی نیست. مبارزه ملت ایران در حقیقت یک مبارزه علیه استبداد و علیه استعمار است و چون انگلستان مظهر استعمار جهانی در ایران است و قدرتهای داخلی کشور را در اختیار دارد و با اتکا به این قدرتها و برای حفظ منافع و ادامه غارت خود حکومتهای استبدادی را بر میهن ما مسلط ساخته است، در نتیجه ملت ایران با مبارزه علیه استعمار انگلستان در واقع سلطه استعمار را از کشور ریشه کن خواهد کرد و با نابودی استبداد و برقراری آزادی و دموکراسی امکان هر نوع جانشینی استعمار دیگر و امپریالیسم جهانی را بجای انگلستان از میان خواهد برد. دکتر محمد مصدق که در مراحل اول مبارزه به پیروزیهای چشمگیری نایل آمد و توانست دست شرکت نفت انگلیس را از منابع زرخیز کشور کوتاه نماید و توطئه های بیشمار عوامل استعمار انگلستان و شاه و دربار را خنثی کند در مراحل بعدی مبارزه با مقاومت و سرسختی و توطئه های بیشمار عوامل دشمن مواجه گردید. در این مرحله از مبارزه امپریالیسم آمریکا با تمام قدرت به مقابله با نهضت ملی ایران برخاست و در صدد برآمد که برجای استعمار انگلیس نشیند و میهن ما را پایگاه نفوذ مشترک امپریالیسم جهانی قرار دهد.

آرتش که از فرمان شاه پیروی میکرد در عمل علیه حکومت رهبر نهضت ملی اقدام مینمود. آشوبها، خونریزیها، اغتشاشها و ناامنیهای دوران حکومت دکتر مصدق که وسیله ایادی انگلستان و با همدستی احزاب ظاهرا تندرو ولی وابسته به بیگانه سازمان می یافت توطئه مشترک کشورهای استعماری برای نابودی نهضت ملی ایران بود. از این رو دکتر مصدق تصمیم گرفت آرتش شاهنشاهی را در اختیار بگیرد و نیروهای مسلح کشور را به آرتش مردمی تبدیل کند.

در تیر ماه ۱۳۳۱ هنگامیکه بعد از افتتاح دوره هفدهم قانونگذاری دکتر مصدق مأمور تشکیل کابینه جدید گردید با اتکا به پیروزیهاییکه در صحنه ملی و بین المللی بدست آورده بود موقع را برای این اقدام مناسب تشخیص داد و در انتخاب اعضای دولت جدید پست وزارت جنگ را شخصا بر عهده گرفت و چون شاه با این اقدام مخالفت ورزید بعنوان اعتراض از تشکیل دولت خودداری کرد و در نامهاییکه خطاب به شاه انتشار داد اعلام داشت که در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب میکند که پست وزارت جنگ را شخصا عهده دار شود و چون این کار مورد تصویب شاه واقع نشد بهتر است دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملا مورد اعتماد باشد. دکتر مصدق در آخر نامه اضافه کرد با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندانده خاتمه داد. ظرف چند روز ندای دکتر مصدق در سراسر کشور طنین افکند و تظاهرات گروههای مردم به حمایت رهبر نهضت ملی و علیه دولت منصوب شاه بالا گرفت.

موقعیکه نیروهای مسلح برای سرکوب مردم به خیابانها ریختند و تانک و توپ و مسلسل همه کوجهما و نامها را اشغال کرد هیجان و قدرت مقاومت ملت صد چندان فزونی گرفت. مردمی که

فاقد هر نوع سلاح سرد و یا گرم بودند تنها باتکیه بر نیروی ایمان به بزرگترین مقاومت در تاریخ مبارزات آزادیخواهی ملت ایران دست زدند. همه دست از کار کشیدند و با فریاد یا مرگ یا مصدق که چکیده شعارهای ملی برای شکست دشمن در آنزمان بود به خیابانها ریختند و جان بر کف به مقابله دشمن شتافتند و تهدید و ارعاب و قدرت آتش نیروهای مسلح نتوانست ایشان را به تسلیم و عقب نشینی وادار کند. در بعد از ظهر روز سی ام تیر بمحض آنکه آثار تردید در افراد نیروهای انتظامی پدید آمد و سر فرماندهی دشمن دریافت که برادران سرباز در برابر عظمت مبارزه و قدرت مقاومت ملت تاب ایستادگی نخواهند داشت از ترس آنکه ادامه رویارویی به تسلیم واحدهای نظامی و از هم پاشیدگی آرتش بیانجامد تمام قوای انتظامی را از شهر خارج ساخت و پس از چند ساعت رهبر ملت بعنوان نخست وزیر پیروز صندلی صدارت را اشغال کرد.

این بار مصدق فرمان نخست‌وزیری را از ملت دریافت کرد.

این نخستین قدم در این مرحله سنگین از مبارزه بود. قدمیکه قدم‌های سخت دیگری را بدنبال داشت.

دشمن که در اولین برخورد با رهبر نهضت ملی بر سر تصرف اصلی‌ترین پایگاه قدرت یعنی آرتش مجبور به عقب‌نشینی شد ملت و رهبر نهضت را در موقعیت بسیار ممتازی یافت و به تاکتیکها و توطئه‌های جدیدی متوسل شد.

وقتی سیاست استعماری در مبارزه اقتصادی برای شکست دولت ملی توفیق نیافت، وقتی جنگهای خیابانی و اغتشاش و هرج و مرج و بهم‌ریختگی که با همدستی گروههای انقلابی نما و عناصر درباری و نظامیان وابسته به استعمار شکل میگرفت نتوانست دولت ملی را ساقط کند، وقتی توطئه‌های عوامل سیاسی در مجلس و خارج از مجلس و بحرانهای اداری و سیاسی و اقتصادی در شئون مختلف مملکت دولت رهبر نهضت ملی را بزانو در نیاورد، سیاست استعمار جهانی با مشارکت امپریالیسم آمریکا و انگلیس به تنظیم دو طرح دیگر اقدام کرد. از یکطرف با نقشه دقیق مانع شد که رهبر نهضت ملی بتواند عملاً بر آرتش تسلط پیدا کند و از طرف دیگر با توطئه‌های بسیار سعی کرد عوامل و عناصری را که در صفوف نهضت ملی وجود داشتند به تفرقه و مجادله و نفاق و مبارزه داخلی وادار سازد و از درون به نهضت ملی صدمه وارد آورد.

اگر ما امروز به بیان خاطراتی از رویدادهای مبارزه عظیم ملت میپردازیم تنها باین خاطر نیست که نسل جوان را از حوادث مهمی که در فاصله کوتاهی از تاریخ ملت گذشته است آگاه سازیم.

اگر ما امروز با شرح جانبازیها و قهرمانیهای فرزندان این آب و خاک وقت شما را در این کردهمایی بزرگ ملی بخود مشغول میداریم تنها برای این نیست که از فداکاریهای مبارزان راه حق و آزادی تجلیل کنیم.

ما با طرح مسائل اساسی و یادآوری خاطرات و تجلیل از قهرمانان در صددیم از تجربیات

بازرزش مبارزات ملی بهره گیریم و خود و نسل جوان را به سلاح تجربه و آگاهیهای اجتماعی مجهز سازیم .

وقتی در پائیز سال ۱۳۵۷ مردم در برابر هجوم سربازان مسلح فریاد میکشیدند "توپ و تانک و مسلسل دیگر اثر ندارد" و بدین ترتیب تمام تنظیمات نظامی استبداد محمدرضا شاه را علیه انقلاب ملت خنثی میکنند باید بیاد آوریم که در تابستان سال ۱۳۳۱ همین مردم هنگامیکه با اسلحه همین آرتش بر زمین میافتادند با خون خود هر خیابان مینوشتند "از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم - یا مرگ یا مصدق" و دهها حماسه سرخ فام آفریدند و تمام توطئه‌های دستگاه محمد رضا شاه را با شکست مواجه ساختند .

پیروزی قیام ملی مردم در آنسال بیش از یکسال دوام نیافت و امروز که حدود پنج ماه از پیروزی انقلاب بزرگ ملت میگذرد آیا باید خطراتیکه این انقلاب عظیم را تهدید میکند نادیده بگیریم ؟

از این روی ما هم از جهت حس حقگذاری و بیان حقایق تاریخی و هم از جهت تنبه و بهره وری برای آینده انقلاب عظیم امروز در این دقایق تاریخی خود را موظف میدانیم در مراسم یاد بود قیام سی تیر از آیتاله سیدابوالقاسم کاشانی نام ببریم . هیچکس نمیتواند اثرات مثبت مبارزات آیتاله کاشانی را فراموش کند . قدرت مقاومت و روشن بینی و همگامی با رهبر نهضت ملی از خصوصیات آیتاله کاشانی بود . در سالهای اول مبارزات نهضت ملی و بخصوص در مقابل با دسایس استعمار جهانی همفکری و همقدمی کامل داشت . در قیام سیام تیر مردم را بمبارزه اسامی دعوت کرد ولی پس از آنکه دشمن برای نابودی نهضت ملی به داخل نهضت روی آورد با استفاده از عناصر فرصت طلب و عوامل مزدور خویش و بهره برداری از نقاط ضعف پستگان و کسان نزدیک آیتاله کاشانی ، نامبرده را براهی کشید که دست در دست فضل اله زاهدی سر لشکر باز نشسته ، عنصر فرومایه و پست استعمار گذاشت و با شاه خائن به گفتگو و همگامی و مکاتبه پرداخت و مرکز توطئه مخربترین و فاسدترین عناصر رژیم پهلوی و عمال دربار و استعمار انگلستان گردید .

ما اگر امروز خود را از تاریخ جدا کنیم و هر آنچه را که دیروز بدست آورده و یا از دست داده ایم نادیده بگیریم و بخواهیم بارها آزموده را بیازمائیم انقلاب بزرگ ملی ایران را بنا ببودی خواهیم سپرد و علاوه بر خسران و تباهی خویش لعنت نسل‌های آینده ایران و قشرهای بزرگی از ملل و مردم سراسر جهان را بخود خواهیم خرید .

ما بخوبی میدانیم که انقلاب بزرگ ملی و اسلامی ایران که با زعامت و رهبری قاطع رهبر انقلاب به پیروزی رسید دارای مشخصات و خصوصیات تازه نسبت به بسیاری از انقلابات و قیام های تاریخی سراسر جهان است .

وحدت و انضباط انقلابی در نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ دو مشخصه بزرگی است که انقلاب

بزرگ ملی و اسلامی ایران را از کلیه انقلابات جهان ممتاز و مجزا میسازد .

با آنکه آرتش و سایر نیروهای انتظامی کاملا "از صحنه خارج شده بودند و در بهای زندانها در شهرهای بزرگ و سراسر کشور گشوده شد و همه زندانها و مجرمان عادی پراکنده شده و بمیان مردم راه یافتند و در حالیکه انبارهای اسلحه تماما " خالی و سلاحهای نظامی از هر قبیل بدون هیچگونه تنظیم و یا رسیدگی و یا کنترلی بدست عامه مردم افتاد و هیچ مرکز حکومتی یا انتظامی و یا تشکیلات و یا سازمان سیاسی و حزبی حاکم بر روابط مردم وجود نداشت ، وحدت کلمه و اتحاد بین ملت و روحیه انضباطی عناصر انقلابی مانع گردید که بی نظمی و آشوب شیرازه همه چیز را از هم بپاشد و کشور را در روزهای پس از انقلاب به نابودی بکشاند .

تشکیل کمیتهها در محلات و نقاط مختلف و سعی و جدیت پاسداران انقلاب عامل اساسی تنظیم امور در آن شرایط محسوب میشد . پاسداران انقلاب با فداکاریهای بی نظیر ، انقلاب بزرگ را حراست کردند و شهیدان بسیاری از بین پاسداران به شهداء ملت پیوستند .

ما این کوششها و فداکاریها را گرامی میداریم و بهمه فداکاران و شهدای آرمان ملت درود فراوان میفرستیم . با آنکه پس از تشکیل دولت موقت و تنظیم برنامه اجرائی انتظار میرفت که آشفتنگیها و نابسامانیها نیکه از نتایج طبیعی و قهری چنین انقلابی است و در این مورد حتی از حداقل پیش بینی شده هم کمتر بود ، روز بروز کمتر شود و نظام امور با توجه به هدفهای انقلابی بر محور صحیح خویش مستقر گردد . متأسفانه بر خلاف انتظار با گذشت زمان آشوب و هرج و مرج افزایش یافت و نابسامانیها روز بروز بیشتر گردید بطوریکه امروز هرج و مرج کامل در تمام سطوح کشور حکومت میکند و بجای دولت قانونی منتخب رهبر انقلاب عوامل قدرت طلب و ماجراجو و یا عناصریکه برای حفظ منافع خویش و یا ملاحظات دیگر به جمع آوری افراد مسلح پرداختهاند زمام حکومت را بدست دارند .

امروز در اغلب نقاط کشور اثری از قدرت قانونی دولت منتخب رهبر انقلاب وجود ندارد و عوامل قدرتمند و مسلح محلی اختیار جان و مال مردم را در دست گرفتهاند .

در چنین شرایطی دیگر صحبت از آزادیهای قانونی و حقوق ملت و اداره کشور بر طبق قواعد و ضوابط قانونی جایی برای گفتن ندارد .

وحدت کلمه که مایه و اساس پیروزی انقلاب بود و همه قشرها و نیروهای اجتماعی را برای وصول به یک هدف معین بدور خود جمع کرده بود بسختی در معرض خطر نابودی است . امری که برای جامعه انقلابی مانند ایران امروز یک فاجعه تاریخی بشمار میرود .

بی نظمی و عدم امنیت بسرعت در حال گسترش است و ادامه این وضع ممکن است موجب مسلح شدن بیشتر قشرها و واحدهای جامعه برای حفظ خود و خانواده و اموال خویش گردد . هیچ راه حل عملی برای رفع بیکاری و یا لا اقل تقلیل آن ارائه نگردیده و یا بموقع اجرا گذاشته نشده است . و بدون برقراری نظم و امنیت زندگی براه افتادن واحدهای اقتصادی و احیاء تولید در

سراسر مملکت عملاً "مقدور نمیشد".

برقراری نظم و امنیت زندگی و ایجاد کار برای بیکاران دو ضرورت بسیار اساسی و فوری برای ادامه حیات کشور تلقی میشود. در صورتیکه با برنامه‌های فوری و ضربتی بیکاران بکار مشغول نشوند و تولید حتی در حد اقل سالیان گذشته برقرار نگردد و بلافاصله برنامه تجدید حیات اقتصادی کشور طرح و اعلام و اجرا نشود، وابستگی ملت برای ادامه زندگی روزانه به خارج کشور که در واقع وابستگی به امپریالیزم و یا عمال آنست بنحوی خواهد شد که انقلاب بزرگ ملی ایران قدرت مقاومت خود را در برابر توطئه‌ها و یا ضربات استعمار جهانی از دست خواهد داد و بیم تلاشی و نابودی کوششهای ملی به طرز وحشت‌انگیزی افزایش خواهد یافت.

جبهه ملی ایران که با آگاهی از مشکلات و نابسامانیها و نارسائی‌ها و همچنین با احساس خطرات و توطئه‌ها از طرح مسائل بطور آشکار خودداری میکرد امید داشت که با طرح برنامه‌ها و پیش‌بینی‌های لازم از طرف دولت موقت قدرت لازم برای دولت بوجود آید و با اجرای برنامه‌های اقتصادی عاجل از خطرات فوری گاسته شود. متأسفانه دولت موقت با وجود آگاهی کامل که نسبت به همه امور مملکتی دارد و با حسن نیتی که برای تنظیم و اصلاح امور دارا میباشد فاقد برنامه‌های مناسب برای مواجهه با مشکلات کنونی کشور است و در مواردیکه دارای طرح و یا برنامه‌هایی هست قدرت لازم برای اجرای آن ندارد. مشکل اساسی و بزرگ دولت در این است که برخلاف تمام دولتهای متعارف جهان منحصر "از راه توضیح و تشریح مشکلات و بحث و گفتگو در صدد حکومت و اداره امور کشور و اجرای برنامه‌های خویش است.

دولت فعلی عملاً "فاقد قدرت و امکانات اجرایی که دو مشخصه اصلی و اساسی هر دولتی بشمار میرود میباشد و در چند ماه گذشته آثار و علائمی که نشان دهد در راه تاءمین این دو خصیصه اصلی دولت اقدام اساسی و همه‌جانبه‌ای صورت گرفته باشد بچشم نمیخورد.

ترکیب دولت بنحوی است که تحرک و قدرت لازم برای مواجهه با چنین مسائل مهم و مشکلات عظیم و شرایط فوق‌العاده تاریخی در آن وجود ندارد. انتصابات - دستورها - راه‌حل‌ها و تصمیمات خارج از هر نوع تنظیم اساسی و برنامه‌ریزی و ضوابط و اصول انجام گرفته و میگردد. هدفهای انقلابی و طرز تفکر نهضتی جای خود را بملاحظات فردی و نزدیک‌بینی‌های شخصی داده است. اگر در اوضاع و احوال بعد از انقلاب بعلت ناگهانی بودن تغییر و عظیم بودن حادثه و رویدادها امکان تنظیم ضوابط و برنامه‌ریزی اصولی وجود نداشت بعد از آن تقریباً "هیچگونه کوشش اساسی برای جهت‌گیری در این امور بچشم نمیخورد. بعضی از طرحها و برنامه‌های ارائه شده که با سروصدای زیادی نیز عنوان شد حتی قبل از توضیح و تشریح کامل آن برای مردم با ناکامی مواجه گردید.

از چنین وضعی عناصر سودجو و فرصت طلب - آشوب گر و قدرت طلب سوء استفاده کرده و وضع نابسامان فعلی را بوجود آورده‌اند.

امروز نظم و امنیت - انقلاب و وحدت - حقوق مستضعفان و مبارزه با مستکبران عناوینی شده که عده‌های در پناه آن برای حفظ موقعیت خود و تحصیل قدرت و مبارزه با مخالفین سنگر بگیرند و با استفاده از امکانات بسیاری که بر اثر شرایط بعد از انقلاب بدست آورده‌اند بهر کاری که مقتضی و مصلحت خود بدانند دست بزنند .

رئیس دولت در نطقهای مکرر خود از شخص خویش و هیئت دولت برای همه امور مملکت سلب مسئولیت کرده است . نخست وزیر با صراحت اعلام داشته که وجود مراکز متعدد قدرت که هم تصمیم میگیرند و هم اجراء میکنند مانع انجام وظائف دولت است .

نخست وزیر با صراحت از رهبری و تصمیم‌گیری شورای انقلاب در کنار رهبری انقلاب و هیئت دولت نام برده است .

این امر برای نخستین بار در تاریخ جهان دیده میشود که دولتی با اعلام فقدان قدرت و عدم مسئولیت در امور کشور مدتها بر سر کار باقی میماند و هیچ برنامه و طرح اساسی برای اعمال قدرت و قبول مسئولیت در دست ندارد .

این امر برای نخستین بار در تاریخ جهان دیده میشود که پس از انقلاب خونینی که ظرف چند ماه دهها هزار کشته بر جای گذاشت اعضای شورای انقلاب نام خود را از ملت مخفی کنند و بطور غیر علنی بکار اقدام نمایند . وقتی نام و مشخصات و هویت اعضای شورای انقلاب برای جاسوسان و ایادی خارجی/تروریستها معلوم است چرا باید ملت از آن بی اطلاع باشد؟ در جریان مبارزات سهمگین انقلابی موقعی که خون و آتش در همه جا زبانه میکشید و جلادان رژیم «حمدرضا شاه مردم را دسته دسته کشتار میکردند صدها نفر از روحانیون و مردم مجاهد با انتشار اعلامیه علیه شاه و حکومت نظامی و عاملین جنایتکار با ذکر نام و امضاء و مشخصات در مسجد دانشگاه گرد آمدند و از هیچ خطری نهراسیدند . چه دلیلی امروز موجب شده که شورای انقلاب از دید مردم پنهان شود و کسی از هویت اعضا و مذاکرات و تصمیمات آن مطلع نگردد و در جامعه بعنوان یک مرکز قدرت که مانع ایجاد نظام قانونی و برقراری قدرت دولت گردیده مشهور شود؟

ما بیش از این مجال نداریم و مصلحت نمی‌بینیم که در تشریح بیشتر اوضاع نابسامان فعلی سخن بگوئیم و خاطر هم میهنان عزیز را آزرده سازیم . ما در اوضاع و احوال فعلی اعلام رؤس نابسامانیهای کشور و مشکلات و ناراحتی‌هایی را که ملت با آن مواجه است وظیفه ملی خود میدانیم و معتقدیم بدون آنکه راه حلی از طرف مقامات مسئول و یا حاکم وجود داشته باشد و یا ارائه شود مخفی داشتن مشکلات از این پس موجب مسئولیت همه دست‌اندرکاران اجتماع کشور ما خواهد شد .

جبهه ملی ایران در برابر اوضاع نابسامان فعلی پیشنهادات مشخصی دارد که بطور صریح مطرح میکند و اجرای آنرا از مقامات حاکمه و مسئولان دولت و احزاب و اجتماعات و قشرهای مختلف جامعه طلب مینماید .

۱- وحدت کلمه تا برقراری نظام قانونی حکومت و تصویب قانون اساسی و انجام انتخابات

مجلس شورا ملی و انتخاب رئیس جمهوری و تعیین دولت باید برقرار و حفظ شود. این وحدت باید تحت زعامت و رهبری حضرت آیت الله العظمی خمینی رهبر عالیقدر انقلاب و با همکاری و همگامی مراجع تقلید تحقق یابد و کلیه احزاب و دستجات و گروههای سیاسی و اجتماعی با حفظ این وحدت و در محدوده تفاهم ملی نقطه نظرهای سیاسی و اجتماعی خود را مطرح نمایند و مبارزات فکری و سازمانی خود را گسترش دهند.

ما معتقدیم که یکی از مهمترین عوامل تفرقه و نفاق و بهم ریختگی روابط گروهها و دستجات و احزاب روش نامناسب افراد و عناصر مؤثر و مرتبط با رهبری انقلاب و شورای انقلاب میباشد. کسانی که دم از وحدت میزنند و مردم را در موعظه به اتحاد و اتفاق دعوت میکنند و در حالیکه از تمام امکانات مملکت استفاده میکنند چه در سخنرانیها و چه در عمل تمام امکانات سایر قشرها و گروههای اجتماعی را نفی میکنند. اینان از یکطرف راجع به وحدت صحبت میکنند و از طرف دیگر جز خود و افکار و نظرات خود هیچکس و هیچ نظر و عقیده‌ای را به چیزی نمی‌شمرند. در پناه عنوان اسلامی خود را مجاز به هر بیان و هر اقدامی میدانند. در حالیکه با دوستان خود بجنگ قدرت مشغولند با تسلط بر همه شئون همه امکانات را از دیگران سلب میکنند. از یکطرف نمیتوان گروهها و قشرهای دیگر مملکت را دشمن مملکت، دشمن دین و بدون فکر و اندیشه دانست و آنانرا فاقد شایستگی بشمار آورد و از طرف دیگر ندای وحدت در داد و چنین قشرها را به تفرقه و چند دستگی متهم کرد.

۲- رهبری انقلاب باید همه قشرها و گروههای مردم را در مسائل عمومی و حقوق اجتماعی و شرکت در امور سیاسی به یک دید بنگرند و عناصر فرصت طلب و مرتجع و کسانی که با سوء استفاده از نزدیکی به مقام رهبری یا با سخنرانی و نطقها و یا اعمال دیگر خود موجب تفرقه و نفاق میشوند از دور خود برانند. رهبری عالیقدر انقلاب باید با همه گروهها و احزاب و دستجات سیاسی تماس مستقیم داشته باشند و نظرات آنانرا سخما " استماع نمایند و در صورت اصولی و منطقی بودن، عمل بآنها را دستور فرمایند.

۳- شورای انقلاب باید منحل شود و تا تشکیل مجلس شورای ملی قدرت آن در اختیار دولت قرار گیرد. کمیته‌های سپاه پاسداران و سایر مراکز قدرت در صورتیکه وجود آنان لازم باشد جزو سازمان دولت محسوب شوند بنحوی که جز قدرت دولت منتخب رهبری انقلاب هیچ مرکز قدرت اجرایی مستقل دیگری در سطح کشور باقی نماند.

۴- دولت باید بطور اساسی ترمیم شود بنحویکه بتواند اولاً " دارای قدرت تصمیم‌گیری و اجرایی و تحرک لازم در سطح هیئت دولت و در قلمرو اجرایی کشور گردد و ثانیاً " تا آنجا که ممکن است نماینده نیروها و قشرهای مختلف جامعه باشد. بنظر جبهه ملی تصمیمات اخیر هیئت دولت برای تلفیق دولت و شورای انقلاب بنحویکه جناب آقای مهندس بازرگان در سخنرانی روز ۲۸ تیر ماه عنوان کردند کافی برای نیل به این هدف نبوده و به‌تنهایی مسائل و مشکلات فعلی جامعه را

حل نخواهد کرد .

هـ- دولت باید برنامه فوری و ضربتی برای ایجاد نظم و امنیت زندگی و اشتغال بیگاران به کار ارائه دهد و بلافاصله اجرا کند .

۶- حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت که جزو اساسی ترین هدفهای انقلاب بوده است در عمل رعایت شود . امروزه تمام این آزادیها در معرض خطرات جدی است و کشور ما بطرف نوعی فاشیسم برده میشود . محل احزاب و جمعیتها و همچنین اجتماعات در معرض هجوم و تعطیل است و امنیت فعالیتهای سیاسی و اجتماعی از گروههای دیگر سلب شده است .

۷- آزادی نشر عقاید تا، مین شود و سانسور نشر اطلاعات و اخبار در رادیو و تلویزیون از میان برود و بیطرفی رادیو و تلویزیون در برابر احزاب و گروههای سیاسی و اجتماعی رعایت شود . فشار از مطبوعات برداشته شود و قانون مطبوعات بنحوی تنظیم گردد که به آزادیهای نشر عقاید و افکار صدمه وارد نیآورد .

امروز رادیو و تلویزیون که از بودجه دولت اداره میشود و متعلق به عموم است منحصر به دستگاه حزب جمهوری اسلامی و بعضی از گروههای سیاسی همگام حزب مزبور شده است . ما در بعضی مواقع بزحمت موفق میشویم که حتی اطلاعاتی جبهه ملی را در رادیو و تلویزیون انتشار دهیم .

۸- مجلس مؤسسان بنحوی تشکیل شود که نماینده قشرهای مختلف جامعه باشد . محدود کردن عده نمایندگان مجلس مزبور به ۷۳ نفر که برخلاف ضوابط و سوابق معمول این قبیل مجالس است گروههای عظیمی از قشرهای مردم را عملاً " از حضور و اظهار نظر در مجلس قانونگذاری محروم مینماید . اکنون که قرار است انتخابات انجام شود و رأی گیری بعمل آید چه اصراری است که برخلاف تمام سنن و عرف و عادت عده اعضای مجلس محدود باشد و اعتراض مردم توسعه یابد . در شرایط بعد از انقلاب یکی از مهمترین اموری که در برابر ملت قرار داشت و هم اکنون نیز با همان اهمیت روبروی ما قرار دارد تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است . جبهه ملی ایران اعتقاد دارد که قانون اساسی جدید ایران باید بوسیله مجلس مؤسسانی که نماینده قاطبه ملت ایران باشد و نمایندگان آن در یک انتخابات عمومی و آزاد توسط مردم تعیین شوند تدوین و تصویب گردد . بدیهی است در صورتیکه قانون اساسی مصوب مجلس مؤسسان در یک فرآیند دوم به نظر خواهی عموم گذاشته شود ، تصویب ملت موجب دوام و استحکام و اعتبار بیشتر چنین قانونی خواهد شد .

در حالیکه تنظیم پیش نویس قانون اساسی توسط هیات یا هیاتهایی که از طرف مجلس مؤسسان ما، مور میشوند انجام میگردد ولی دولت موقت جمهوری اسلامی اجرای این امر را به وزارت طرحهای انقلابی محول ساخت و کمیسیونی در آن وزارت بکار تهیه پیش نویس قانون اساسی پرداخت . جبهه ملی ایران نیز از قبل در نظر داشت را " اقدام به تهیه طرح قانون اساسی جدید

ایران بنماید و با توجه به سنن مبارزاتی سی ساله نهضت ملی ایران و هدفهای انقلاب بزرگ ملی اسلامی و اوضاع و احوال فعلی کنونی اجتماع ایران و هدفهایی که مسیر بعدی انقلاب و تکامل نهضت ملی در پیش خواهد داشت طرح اصول قانون اساسی جدید و مترقی ایران را پایه‌ریزی نماید و بدین منظور هیاتی از حقوقدانان و صاحب‌نظران را ماه‌مور تهیه طرح قانون اساسی نمود. ولی نظر به تحولاتی که در اوضاع سیاسی کشور روی داد و دولت موقت تحت تأثیر نظرات رهبری انقلاب نخست از تشکیل مجلس مؤسسان منصرف گردید و بعد با تشکیل مجلس مؤسسان با تعداد محدودی از نمایندگان موافقت نمود و اعلام داشت که طرح تهیه شده از طرف دولت مبنای بررسی نمایندگان مجلس مؤسسان قرار خواهد گرفت. جبهه ملی ایران مقتضی دید بجای کوشش برای تهیه طرح جداگانه قانون اساسی ناچار سعی خود را مصرف بررسی و اظهار نظر در مورد طرحی بنماید که از طرف دولت موقت برای بررسی مجلس مؤسسان تهیه شده است و قطعاً " مبنای رسیدگی و مطالعه مجلس مذکور قرار خواهد گرفت.

پس از آنکه پیش‌نویس طرح قانون اساسی از طرف دولت موقت انتشار یافت بررسیهای اولیه نشان داد که گرچه بعضی از نکات اصلی طرح نمیتواند مورد قبول قرار گیرد و اکثر اصول آن چه از نظر فن قانونگذاری و چه از نظر محتوای مواد باید مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد ولی در صورت اجرای اصلاحات و تغییرات لازم، چارچوب و اساس طرح تنظیمی دولت میتواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر کشور مبنای مناسبی برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

بدین ترتیب جبهه ملی ایران بجای تنظیم و ارائه طرح جداگانه قانون اساسی جدید اقدام به بررسی طرح پیشنهادی دولت کرد و با اصلاحات و تغییراتی در آن، طرح پیشنهادی را تکمیل نمود. از این رو طرح اصلاحی در مورد پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در واقع نمیتواند طرح جبهه ملی ایران برای قانون اساسی جدید بشمار آید بلکه جبهه ملی ایران با ارائه طرح اصلاحی معتقد است که در صورت انجام اصلاحات مذکور طرح تنظیمی دولت بنحوی تکمیل خواهد شد که با توجه به اوضاع و احوال فعلی خاص ایران طرح مذکور بعنوان طرح قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی میتواند مورد قبول قرار گیرد و مبنای سازمانی حکومت و روابط قوای حاکمه را بنمو مناسب تنظیم نماید و آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق ملت را در محدوده مقررات قانونی تضمین کند. در طرح اصلاحی جبهه ملی مجموعاً " ۹۹ اصل از ۱۵۰ اصل تغییر یافته است در نتیجه ۷۷ اصل اصلاح و ۲ اصل بکلی حذف گردیده و بجای آن ۱۸ اصل اضافه شده است.

این تغییرات در سه مورد انجام یافته است:

- ۱- تغییرات بنیادی مانند تغییر اصول و مقررات مربوط به شوراهای منطقی و اختیارات محلی و طرز انتخاب و اختیارات رئیس جمهوری و نخست وزیر.
- ۲- اصلاحات اساسی در اصول و مواد موجود بدون تغییر محتوای اصلی بنحوی که از نظر

قانونی و یا اجرائی بدون اشکال و قابل انطباق با هدفهای قانون اساسی باشد .

۳- حذف عبارات زائد و نامناسب و اصلاح عبارات از نظر حقوقی و اصلاحات قانونی . لازم بتذکر است که تغییرات اخیر تمام اصلاحاتی را از این قبیل که باید در عبارات و متون اصول قانون اساسی بعمل آید در بر نمیگیرد . متن و عبارت کلیه اصول چه از نظر حقوقی و چه از نظر ادبی مستلزم بررسی جدید و اصلاح آن از طرف صاحبنظران میباشد . این امر باید پس از تهیه متن نهائی قانون اساسی در مجلس مؤسسان از طرف هیاتی شامل حقوقدانان مجرب و ادیبانی که بمسائل و اصطلاحات حقوقی آشنائی دارند انجام پذیرد .

جبهه ملی ایران متن اصلاحی پیش نویس قانون اساسی را در اختیار دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون بررسی قانون اساسی در وزارت طرحهای انقلابی قرار خواهد داد و آماده است که در مراجع مزبور و همچنین برای کلیه علاقمندان و سایر هموطنان توضیحات لازم را در مورد تغییرات و پیشنهادهای خود قرار دهد .

جبهه ملی انتظار بلکه اصرار دارد که پیشنهادهای اصلاحی در مورد قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و قانون بنحو متری اصلاح شود . اگر مجلس مؤسسان بنحوی تشکیل شود که تمامی طبقات و گروهها و قشرهای مملکت این مجلس را نمایندند خود تلقی نکنند و چنانکه تاکنون مرسوم بوده پیشنهادات و نظرات اصلاحی مورد توجه قرار نگیرد و حتی چنانکه شایع است اصول متری و اساسی نظام مندرج در قانون مذکور که متناسب با اوضاع و احوال فعلی جهانی است نیز تغییر کند باید خاطر نشان نمائیم که تشکیل مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی نه تنها مشکلات و مسائل فعلی مملکت را بر طرف نخواهد کرد بلکه بمراتب بر آشفتگی اوضاع خواهد افزود و ملت را بورطه نامعلومی سقوط خواهد داد .

این متن قرار برد روز شنبه سیام تیرماه ۱۳۵۸ در مراسمی که از طرف جبهه ملی ایران بیادبود قیام تاریخی سیام تیر در میدان بهارستان برقرار گردید به اطلاع هم میهنان عزیز برسد . بعلمت اوضاع و احوال خاصی که در آنروز بر میدان بهارستان حکمفرما شد و با توجه به جو اختناق، جبهه ملی از اجرای برنامه گردهمایی باز ماند و از این رو تصمیم گرفته شد که متن گفتار در روز سه شنبه دوم مرداد ۱۳۵۸ در مصاحبه مطبوعاتی در محل تشکیلات جبهه ملی منتشر شود .